

رقابت‌های ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه در چارچوب نظریه موازنه منافع شوئلر (۲۰۱۵-۲۰۱۷)

حسین پوراحمدی^۱

وحید دارابی*

چکیده

رقابت ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه قدمتی به طول تاریخ اسلام دارد اما پس از انقلاب اسلامی ابعاد این رقابت با توجه به تغییر نظام سیاسی در ایران و شیعه محور شدن آن اشکال تازه‌ای به خود گرفته است. رقابت و البته روابط آن‌ها همواره تحت تأثیر عوامل داخلی و محیطی، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است و بسته به نوع سیاست خارجی دو کشور، رویکرد آن‌ها رقابتی، تهاجمی و گاه همکاری جویانه بوده است. از سال ۲۰۱۵ نیز تحولاتی در محیط داخلی و خارجی دو کشور اتفاق افتاده است که بی شک بر رقابت‌های دو کشور در خاورمیانه تأثیر گذار بوده است. از این نظر سؤال پژوهش این است که دلایل رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه در دوره سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ چیست؟ فرضیه نیز چنین است که؛ تحولات داخلی و منطقه‌ای در دو کشور موجب تغییر نوع سیاست خارجی آن‌ها شده و کانون رقابت به تلاش برای همراهی کشورهای منطقه تغییر یافته است. با عنایت به نظریه موازنه منافع راندل شوئلر، این فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد که بر اساس آن و به عنوان برآیند مقاله، رقابت دو کشور برای همراهی کشورهای خاورمیانه با سیاست‌های خود، به ویژه قطر و عراق شکل تازه‌ای از رقابت دو کشور در منطقه است. ایران توانسته است همراهی ترکیه، قطر، سوریه و عراق را در این مقطع به دست آورد و عربستان نیز همراهی مصر و امارات را کسب کرده است ضمن آنکه کانون رقابت رفته رفته به سمت عراق کشانده می‌شود. روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، خاورمیانه، موازنه منافع

۱. استاد روابط بین الملل، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانش آموخته روابط بین الملل، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

* Vahiddarabi92@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره پیاپی سی ام، صص ۱۵۰-۱۲۵

روابط ایران و عربستان در طول تاریخ فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. آنچه که در این روابط همواره مشهود بوده، رقابت منطقه‌ای دو کشور و مواضع متقابل نسبت به یکدیگر است. پس از انقلاب اسلامی، تحولات و عوامل مختلفی نوع سیاست خارجی دو کشور را در منطقه تحت تأثیر قرار داده است. از جمله ماهیت انقلاب اسلامی، جنگ ایران و عراق، حمله عراق به کویت، مسئله حج، مسائل داخلی و عواملی از این دست که گاه موجب «سیاست خارجی تهاجمی» و گاهی نیز موجب «سیاست خارجی همکاری جویانه» شده است. در طی سال‌هایی که جمهوری اسلامی ایران با مسئله هسته‌ای مواجه بوده است، عربستان همواره سیاست‌ها و راهبردهای متفاوتی در قبال ایران اتخاذ کرده است. به طور کلی و در چارچوب همگام سازی با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا، این کشور نیز همواره موضع مخالفت جویانه در رابطه با فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی داشته و بر «سیاست امنیتی کردن» آن در منطقه تأکید داشته است. این دوران که با پادشاهی «عبدالله بن عبدالعزیز» همگام بود عربستان سیاستی محافظه‌کارانه در خاورمیانه داشته است. در جمهوری اسلامی ایران نیز که درگیر بحران هسته‌ای بود سیاست خارجی تجدیدنظرطلبانه نسبت نظم و نظام موجود بین‌المللی حکمفرما بود. سیاست دو کشور در منطقه مبتنی بر گسترش حوزه نفوذ بوده است و بر پایه موازنه قدرت هر کدام تلاش داشته‌اند چرخه قدرت را به سود خود تغییر دهد. بحران هسته‌ای سرانجام با مذاکرات چند ساله جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ۵+۱ در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ به مرحله نهایی رسید و برخی مخالفت‌ها و موافقت‌های منطقه‌ای را موجب شد. این زمانی است که دو کشور ایران و عربستان دچار تحولاتی در سلسله مراتب قدرت شده‌اند. در سطح ساختاری نیز تحولاتی شکل گرفته است که می‌توان به برجام، حمله نظامی عربستان به یمن، و مسئله همه‌پرسی در اقلیم کردستان اشاره کرد. براین اساس، با وجود تحولات داخلی و بین‌المللی و منطقه‌ای، مسئله این است که رقابت‌های دو کشور در منطقه به چه صورتی نمود پیدا می‌کند و کانون‌های جدید رقابت کجا هستند.

بنابراین سؤال پژوهش این است که دلایل رقابت‌های منطقه‌ای ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه در دوره سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ چیست؟ فرضیه نیز چنین است که؛

تحولات داخلی و منطقه‌ای در دوکشور موجب تغییر نوع سیاست خارجی آن‌ها شده و کانون رقابت به تلاش برای همراهی کشورهای منطقه تغییر یافته است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و با عنایت به تئوری «موازنه منافع» از «راندل شوئلر»^۱ این فرضیه را مورد آزمون قرار خواهیم داد. قبل از تحولات و عوامل گفته شده، دو کشور بر پایه «موازنه قوا» تلاش داشتند در پرتو تحولات عربی در خاورمیانه و با نفوذ در شبکه مخالفان و موافقان، موازنه قدرت را به سود خود تغییر دهند. آشکارترین حوزه رقابت در این دوره، سوریه و بحرین است که در سوریه عربستان با حمایت از مخالفان قصد براندازی بشار اسد که متحد استراتژیک ایران است را داشت و در مقابل ایران خواهان ابقای بشار اسد و حفظ موازنه قدرت به سود خود بوده است. اما چنانچه گفته شد، عوامل و تحولاتی موجب تغییر معادلات منطقه‌ای شد و دیگر رقابت ایران و عربستان در چارچوب منطق موازنه قدرت قابل تبیین نیست. روش پژوهش به کار رفته نیز توصیفی-تحلیلی است که در این نوع از پژوهش محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسأله می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل نیاز به تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود موضوع دارد. در اینجا مسئله تحقیق با گزاره‌های کلی مربوطه ارتباط می‌یابد و در نهایت نتیجه‌گیری حاصل می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه سیاست خارجی ایران و عربستان و روابط آن‌ها مقالات و کتاب‌های متعددی نوشته شده است. بیشتر این آثار بر تعارضات دو کشور متمرکز شده‌اند و دلایل تداوم و یا ایجاد تعارضات را بررسی کرده‌اند. جنبه جدید بودن این پژوهش به لحاظ بررسی ابعاد تازه و مسائل جدید مؤثر در رقابت‌های ایران و عربستان به ویژه پس از توافق هسته‌ای است. به طور کلی آثاری چند در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که به طور مختصر شرح داده خواهد شد.

1. Balance of Interests
2. Randall L. Schweller
3. Balance of power

«ویکتوریا چن» در مقاله‌ای با عنوان «عربستان سعودی و ایران: فرقه‌گرایی، تلاش برای هژمونی منطقه‌ای و صف‌بندی‌های بین‌المللی» در سال ۲۰۱۷، دو کشور ایران و عربستان را بانفوذترین کشورهای منطقه خاورمیانه می‌داند. اما به دلایلی با یکدیگر اختلافاتی دارند. او به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که منابع اختلافات ایران و عربستان و راه‌هایی که آن‌ها به این اختلافات در قالب فرقه‌گرایی شکل می‌دهند چیست؟ با استفاده از چارچوب سازه‌نگاری، ساخت و سازهای اجتماعی دو کشور را بررسی می‌کند و اختلافات هویتی را براساس یک بررسی تاریخی از جامعه ایران و عربستان، مهم‌ترین عامل تعارض دو کشور می‌داند. چن تعارض ایران و عربستان را در بحرین و یمن را برای نمونه مورد بررسی قرار می‌دهد و آن را جنگ فرقه‌ای ایران و عربستان می‌نامد. او معتقد است تحولات عربی موجب سیاست خارجی تهاجمی از سوی عربستان شده است و این امر رقابت با ایران را بر سر هژمونی منطقه‌ای افزایش داده است.

علی اکبر رمضان زاده و سید تقی هاشمی در سال ۱۳۹۲ مقاله‌ای تحت عنوان «تحول جایگاه منطقه‌ای و روابط تنش‌زای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی» نگاشته‌اند. در این پژوهش، محققان به بررسی تحولات منطقه‌ای و تأثیر آن بر رویکرد عربستان و ایران در قبال یکدیگر پرداخته‌اند. در اینجا تغییر رژیم یعنی در عراق، تحولات و جنگ‌های لبنان و فلسطین با رژیم صهیونیستی، ناآرامی‌های سوریه و انقلاب بحرین به عنوان مهم‌ترین تحولات منطقه‌ای ذکر شده است. محققین عنوان می‌کنند که بعد از سقوط رژیم بعث، نفوذ ایران در منطقه افزایش یافته است و عربستان برای مقابله با چنین امری به ایجاد موازنه در مقابل ایران پرداخته است. نویسندگان با برشمردن نقاط همگرایی و واگرایی دو کشور، نتیجه می‌گیرند که ایران و عربستان در پی تحولات منطقه، وارد یک رقابت منطقه‌ای شده‌اند که در نهایت تنش‌ها و مشکلاتی در روابط دو کشور ایجاد کرده است. مقاله دیگر در این زمینه از علیرضا ازغندی و مهدی آقا علیخانی در سال ۱۳۹۲ تحت عنوان «بررسی عوامل منطقه‌ای و واگرایی در روابط ایران و عربستان» است. نویسندگان روابط ایران و عربستان را پیش و پس از انقلاب مورد بررسی قرار می‌دهند و نقش عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در همگرایی و واگرایی دو کشور دخیل می‌دانند. به نظر

آن‌ها عوامل متعددی پس از انقلاب اسلامی موجب واگرایی و تضاد منافع میان ایران و عربستان شده است که از جمله می‌توان به مسائل عراق، لبنان و بحرین در سطح منطقه‌ای که موجب رقابت دو کشور برای کسب نفوذ بیشتر در منطقه شده است، اشاره کرد.

«آریل ژانر» نیز در سال ۲۰۱۲ مقاله‌ای با عنوان «عربستان سعودی و ایران: کشمکش برای قدرت و نفوذ در خلیج فارس» نگاشته است. در این مقاله نویسنده با بررسی تحولات و انقلابات مردمی ۲۰۱۱ در خاورمیانه، به تغییر محیط سیاسی و توزیع قدرت در منطقه باور دارد. این امر فرصت ویژه‌ای در اختیار دو کشور ایران و عربستان برای رهبری منطقه خلیج فارس ارائه کرده است. نویسنده در ابتدا به مرور کلی روابط ایران و عربستان قبل از انقلاب اسلامی می‌پردازد و روابط آن‌ها را بر اساس سیستم دو قطبی دوران جنگ سرد ارزیابی می‌کند و سپس به روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد که معتقد است در این دوران تنش در بیشتر روابط دو کشور حاکم بوده است. وی معتقد است در سال‌های اخیر به رغم بهبود یافتن روابط دو کشور، تحولات منطقه‌ای ۲۰۱۱ و شکل‌گیری منافع متضاد، رقابت این دو کشور در منطقه خلیج فارس افزایش یافته است. افشین متقی نیز با توجه به نظریه سازه‌انگاری به بررسی عوامل تنش‌زا بین دو کشور ایران و عربستان می‌پردازد. به عقیده وی از دهه ۱۹۵۰ به این سو، دو کشور یکدیگر را به عنوان رقیب در نظر گرفته‌اند. تنش و ناسازواری میان دو کشور، پس از پهلوی دوم شکل جدی‌تر گرفته و به دلیل متقارن بودن حوزه‌های نفوذ این دو کشور در منطقه، ایران و عربستان سطح پیوسته‌ای از تنش را میان خود تجربه کرده‌اند. رقابت ایران و عربستان زمینه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد. این زمینه رقابت، در کنار شماری از عوامل مادی و معنوی سبب بروز تنش و تیرگی در روابط تهران-ریاض شده است. ایران به ویژه پس از رخداد انقلاب اسلامی در پی نفوذ میان کشورهای مسلمان منطقه است و به دلیل خاستگاه ایدئولوژیک شیعی خود با ایدئولوژی وهابیت عربستان ناهمسازی دارد. پیوستگی‌های ژئوپلیتیک و رقابت در این منطقه بر پایه کسب قدرت و هژمونی نیز بر رویارویی این دو کشور افزوده است. در این پژوهش آمده است که سه شاخص «هنجار»، «انگاره» و «هویت مشترک» در میان ایران و عربستان در کنار رقابت و قدرت بر «بنیاد ژئوپلیتیک» از عوامل مهم ایجاد تنش در روابط تهران-ریاض می‌باشد.

آرمینا آرم نیز در مقاله‌ای با عنوان «ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه» معتقد است با توجه به تحولات اخیر در منطقه، رقابت ایران و عربستان نیز افزایش پیدا کرده است. با توجه به توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای غربی و نقش تأثیر گذار ایران در بحران‌های منطقه‌ای مانند سوریه، عراق و یمن، زمینه‌های افزایش قدرت منطقه‌ای ایران و شیعیان در منطقه فراهم شده است که باعث تشدید رقابت منطقه‌ای بین ایران و عربستان شده است. پژوهشگر در جواب این سؤال که دلیل افزایش تنش در روابط ایران و عربستان چیست؟ این فرضیه را عنوان می‌کند که تداوم الگوی تعارض در روابط دو کشور به دلیل رقابت منطقه‌ای میان ایران و عربستان و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران بعد از توافق هسته‌ای در کنار تقابل ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی است.

۲. چارچوب نظری: نظریه موازنه منافع راندل شوئلر

از زمانی که رئالیسم به عنوان یک پارادایم در روابط بین‌الملل پذیرفته شده است تحولات متفاوتی را پشت سر گذاشته است. قدرت محوری، دولت محوری، موازنه قدرت، آنارشی و معمای امنیتی مهم‌ترین مشخصه‌های رئالیسم تاکنون بوده است. براین اساس، تقسیم بندی‌های گوناگونی در درون این پارادایم با توجه به رابطه ساختار-کارگزار، سطح تحلیل و به طور کلی نوع متغیرهای مستقل و وابسته شکل گرفته است. مبانی رفتاری و انگیزه‌های عمل دولت‌ها در محیط بین‌المللی، نوع و چگونگی ارتباط سیاست داخلی و سیاست خارجی یا سیاست بین‌الملل و حوزه‌ها و پدیده‌های اصلی مورد تحلیل را می‌توان از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های طبقه‌بندی نظریه‌ها و نظریه پردازان مختلف پارادایم رئالیسم دانست. در رئالیسم کلاسیک، رفتار کشورها متأثر از طبیعت بشری و برای مقابله با ناامنی فعلی است. در نئورئالیسم، سیاست خارجی و رفتار بین‌المللی بازیگران متأثر از آنارشی بین‌المللی است و در واقع این ساختار است که رفتار بازیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رئالیسم نئوکلاسیک را می‌توان صورت تکامل یافته رئالیسم کلاسیک و رئالیسم ساختاری دانست. در این پارادایم رفتار خارجی دولت متأثر از سه مقوله قدرت، دولت‌ها و ساختار نظام بین‌الملل است. در واقع قدرت به عنوان متغیر وابسته، ساختار به عنوان متغیر مستقل و دولت نیز به عنوان متغیر میانجی، رفتار خارجی دولت‌ها را شکل می‌دهند. رئالیسم

نئوکلاسیک پایه نظریات خود را سیاست خارجی قرار داده است. از مهم‌ترین نظریه پردازان این نحله فکری «راندل شوئلر» است. او ضمن نقد نظریه «موازنه قدرت» در رئالیسم ساختاری، معتقد است دولت‌ها تنها هنگامی به ایجاد موازنه می‌پردازند که به نفع آن‌ها باشد. او در مقابل موازنه قدرت «کنت والتز»^۱ و «موازنه تهدید»^۲ «استفان والت»^۳ نظریه «توازن منافع» را در تحلیل سیاست خارجی ارائه می‌کند. شوئلر می‌گوید در مطالعه سیاست بین‌الملل رابطه بین ثبات داخلی و ثبات خارجی نادیده گرفته شده است. بررسی وی به محدودیت‌های داخلی دولت‌ها برای موازنه قدرت اختصاص دارد و در این راستا از جمله به استراتژی‌های جای‌گزین با توجه به شرایط مختلف دولت‌ها از جمله همراهی، دلجویی یا واگذاری مسئولیت توازن به دیگران اشاره دارد. (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۴۷)

شوئلر معتقد است اینکه گفته می‌شود دولت‌ها در برابر تهدید به افزایش قدرت تمایل دارند یک پارادوکس است. همچنین او بیان می‌کند که موازنه تهدید استفان والت اهمیت عوامل داخلی را در اتخاذ تصمیمات برای اتحاد و موازنه تضعیف می‌کند و استدلال می‌کند که تمام طرف‌های یک منازعه که گفته می‌شود برای مقابله با رفتارهای تحریک کننده با هدف یکسان برای دستیابی به امنیت وسیع‌تر همراهی می‌کنند یک فرض اشتباه است. او هدف موازنه را «خودنگه‌داری»^۴ و حمایت از ارزش‌هایی که تاکنون داشته است می‌داند درحالی که هدف همراهی معمولاً «خوداحساسی»^۵ برای کسب ارزش‌های به دست آمده است. او در مقابل نظریه استفان والت معتقد است در همراهی کشورها باید به دو فاکتور «فرصت طلبی»^۶ و «انگیزه ترس»^۷ از سوی دولت‌هایی که تهدید می‌شوند و دولت‌هایی که به تهدید پاسخ می‌دهند توجه کرد. (Schweller, 1994: 75-74)

شوئلر تلاش می‌کند نظریه والت را به تحلیل ببرد. از این رو بیان می‌کند که باید فرض را بر این گذاشت که جنگ در حال وقوع است و یک دولت در چنین وضعیتی باید طرف‌های خود را انتخاب کند. در این صورت دیگر نمی‌توان از موازنه تهدید صحبت

1. Kenneth Waltz
2. Balance of Threat
3. Stephen Walt
4. Self-Preservation
5. Self-Extension
6. Opportunistic
7. Pose Threats

کرد. در اینجا قدرت تهدید نیست بلکه به دولت اختیار انتخاب را می‌دهد. (Gangale, 2003: 13) شوئلر معتقد است که دولت‌ها به همراهی برای کسب سود و منافع تمایل دارند تا امنیت. تئوری توازن منافع شوئلر دو مفهوم دارد که یکی در سطح واحد و دیگری در سطح سیستمی است. در سطح واحد به هزینه‌های یک دولت که تمایل دارد برای تعریف ارزش‌های خود پرداخت کند اشاره دارد. در سطح سیستماتیک به توانایی‌های نسبی دولت‌های تجدید نظر طلب و دولت‌های حافظ وضع موجود اشاره دارد. (Schweller, 1994: 99) او دولت‌ها را به «تجدید نظر طلب» و «حافظ وضع موجود»^۲ تقسیم می‌کند و معتقد است که هرکدام از آن‌ها از پرسیژ، منابع و اصول سیستم پدیدار می‌شود و عدم رضایت باعث ایجاد اتحادیهایی براساس توازن منافع می‌شود. (Rynnig & Guzzini, 2001: 8-9) در سطح سیستماتیک تئوری توازن منافع بیان می‌کند که اهداف و ابزارها برای ثبات سیستم مهم هستند و توزیع توانایی‌ها به خودی خود ثبات سیستم را تعیین نمی‌کند. به عبارت دیگر ثبات سیستم به موازنه نیروهای تجدیدنظر طلب و محافظه‌کار وابسته است. (Schweller, 1994: 104)

براین اساس می‌توان گفت رقابت‌های ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه در دوره زمانی مشخص شده و با توجه به تحولات شکل گرفته با عنایت به نظریه منافع شوئلر قابل تبیین است. براین اساس باید به چند مؤلفه مهم توجه کرد: ۱- نقش عوامل داخلی در سیاست خارجی کشورها، ۲- تجدید نظر طلب بودن یا محافظه‌کاری دولت‌ها، ۳- تلاش کشورها برای همراهی دیگران با سیاست‌های خود

۳. تحولات سیاسی ایران و عربستان در دوره ۲۰۱۷-۲۰۱۵

۳-۱. تحولات سیاسی هرم قدرت در عربستان

تغییرات مربوط به درونی‌ترین لایه یا کانون قدرت در عربستان یعنی خاندان آل سعود را می‌توان اصلی‌ترین عواملی دانست که به تحول در رویکرد سیاست خارجی عربستان از محافظه‌کاری و حالت تدافعی به تهاجمی منجر شده است. نخستین تغییر در این حوزه را می‌توان در تحولات پس از فوت «ملک عبدالله بن عبدالعزیز» و به قدرت رسیدن «ملک

1. Revisionist Powers
2. Status-Quo States

سلمانبن عبدالعزیز» و ولیعهدی پسرش «محمد بن سلمان» جستجو کرد. این تغییر در رأس هرم نظام سیاسی عربستان باعث تغییرات گسترده در ترکیب نخبگان سیاسی و حاکم شده است و نگرش‌های متفاوتی را به‌خصوص در عرصه سیاست خارجی حاکم ساخته است. در حالی که نخبگان سیاسی در دوره عبدالله عمدتاً از نسل دوم فرزندان عبدالله عزیز بودند که احتیاط، محافظه‌کاری و شکیبایی را در سیاست خارجی مهم می‌دانستند اما نخبگان جدید بر این باورند که رویکردهای گذشته دیگر در شرایط جدید قادر به تأمین منافع و امنیت آل سعود نیست و این کشور چاره‌ای جز در پیش گرفتن رویکردهای جدید تهاجمی ندارد. (نور علی وند، ۱۳۹۶: ۲۱-۲۰)

ملک سلمان که در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵ به پادشاهی رسید به تغییر ساختار و همچنین تصمیم‌گیرندگان در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی پرداخت. از جمله این اقدامات انتخاب ولیعهدی محمد بن سلمان در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷ است که قبلاً به عنوان وزیر دفاع عربستان در ساختار حکومتی ایفای نقش داشت. او و محمد بن سلمان تغییرات مهمی در عرصه سیاست خارجی داده‌اند به طوری که یک نوع سیاست خارجی تهاجمی و در قالب یک «دکترین مداخله‌گرایانه» در منطقه بر سیاست خارجی عربستان حاکم شده است. (Rashed, 2017: 17) انتخاب محمدبن سلمان برخلاف اساسنامه عربستان انجام شد و برای اولین بار در تاریخ عربستان سعودی قدرت از پدر به پسر به ارث رسیده است.

۲-۳. تحولات داخلی جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران نیز با روی کار آمدن دولت اعتدال، چرخش تازه‌ای در سیاست خارجی و سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاد. تا سال ۲۰۱۳ گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌محور در عرصه سیاست اجرائی کشور حاکم بود. این گفتمان دیدگاهی تهاجمی و تجدید نظر طلبانه به نظام بین‌الملل داشته است. در این دوره مخاصمات و تقابل با سیاست‌های آمریکا و نقد ساختار نظام بین‌الملل در سیاست خارجی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران راهبرد توجه به «کشورهای شرق-جنوب» و «جهان سوم گرایی» را در دستور کار قرار می‌دهد. با انتخاب «حسن روحانی» در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ رویکرد و رهیافت جمهوری اسلامی نیز در

خصوصاً سیاست خارجی دستخوش تحول گردید. از مهم‌ترین دستاوردهای این دوره، نهایه شدن توافق هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ است. سیاست خارجی در دولت اعتدال در مقابل گفتمان اصول‌گرایی قرار می‌گیرد به طوری که دولت در این رویکرد از هرگونه تهاجمی به ساختارهای فعلی نظام بین‌الملل از جمله سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی یا قواعد مرسوم خودداری می‌کند ولی به منظور اصلاح زیرساخت‌های چنین نظامی با اتخاذ رویکردی اندیشمندانه و براساس مصلحت و واقعیت تلاش می‌کند از طریق همراه کردن دیگران و با استفاده از ابزارهای قانونی همانند توسعه همه‌جانبه روابط با بازیگران بزرگ، چندجانبه‌گرایی و مقابله نرم با هژمونی‌گری، به اصلاح نظام کنونی مبادرت ورزد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۳)

بر این اساس در چارچوب تحولات داخلی و در سطح دولت باید گفت هر دو دولت در دوران پسا برجام رویکرد جدیدی در سیاست خارجی اتخاذ کرده‌اند. بر این اساس می‌توان عربستان را قبل از توافق هسته‌ای دولتی حافظ وضع موجود و ایران را دولتی تجدیدنظر طلبانه دانست. پس از برجام و تحولات داخلی دو کشور، عربستان به کشوری با دیدگاهی تهاجمی تبدیل شده است و در مقابل جمهوری اسلامی ایران دیدگاه محطاطانه و محافظه‌کارانه را به کار گرفته است. ایران خواهان ثبات نظم پسا برجام است و عربستان خواهان تغییر وضع موجود و کاهش قدرت و نفوذ ایران در منطقه است. از این نظر جمهوری اسلامی ایران به دنبال بیشینه سازی امنیت است و عربستان به دنبال بیشینه سازی قدرت. برای چنین امری دو کشور دست به ائتلاف و موازنه سازی می‌زنند.

۴. تحولات منطقه‌ای

در دوره مورد مطالعه در این پژوهش عوامل و تحولات مختلفی در سطح منطقه روی داده است که بر سیاست‌های منطقه‌ای و رقابت‌های دو کشور در خاورمیانه بسیار تأثیر گذار بوده است. این تحولات شامل: حمله نظامی عربستان به یمن، برجام و همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق است.

۱-۴. حمله نظامی عربستان به یمن

بحران سیاسی در یمن بدنبال اعتراضات خیابانی علیه «علی عبدالله صالح» در سال ۲۰۱۱ آغاز شد و با ورود گروه «انصارالله» به رهبری «حوثی‌ها» و «القاعده» شدت بیشتری گرفت. حوثی‌ها در سپتامبر ۲۰۱۴ صنعا را تصرف کرده و تشکیل حکومت وحدت ملی را اعلام کردند. در این زمان عربستان که مخالف تسلط شیعیان بر یمن بود، با همکاری دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس طرحی ارائه کرد که علی‌رغم برکناری صالح از قدرت، ضمن اعطای مصونیت به وی، مجوز نظارت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با رهبری عربستان در امورات داخلی یمن را فراهم می‌ساخت. گام دوم عربستان در ماه‌های آغازین سال ۲۰۱۵ نمود یافت که با حمایت کشورهای عربی منطقه به بهانه دستیابی حوثی‌های یمن به موشک‌های بالستیک، نیروی هوایی و به طور کلی مسائل امنیتی منطقه‌ای، حملات نظامی به یمن را آغاز کردند. اما این حمله به دلیل نگرانی عربستان از قدرت گرفتن گروه‌های شیعی نظیر انصارالله و حوثی‌ها در یمن که همسو با منافع ایران هستند، بود. (صادقی اول و عشرت آبادی، ۱۳۹۴: ۱۴۷) حمله عربستان به یمن موجب توجه منطقه‌ای و جهانی به آثار و تبعات آن شد. از جمله آنکه موجب فاجعه انسانی، افزایش بحران سیاسی و امنیتی در یمن، و افزایش تهدید تروریسم شده است. برخی از تحلیل‌گران جنگ در یمن را نوعی «جنگ سرد» میان عربستان و ایران دانسته‌اند به این دلیل که حمله عربستان به یمن بیش از همه در مخالفت و مقابله با قدرت‌گیری انصارالله یمن که جنبشی شیعی در یمن است صورت گرفته و ادعا می‌کند که توسط جمهوری اسلامی ایران هدایت و حمایت می‌شود. (Salisbury, 2015: 10)

۲-۴. برجام

برجام یا برنامه جامع اقدام مشترک، در راستای توافق بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با کشورهای ۵+۱ برای پایان دادن به چندین سال بحران هسته‌ای و تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران است که در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ در شهر «ژنو» بین طرفین به امضا رسید. این مذاکرات در ماه فوریه ۲۰۱۴ آغاز شده بود که به علت عدم آمادگی و عدم توافق به نتیجه مطلوب نرسید. در ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴ هر دو طرف آمادگی خود را برای نهایی

شدن توافق جامع تا ۳۰ ژوئن ۲۰۱۵ اعلام کردند و در نهایت ۱۴ ژوئیه بین طرفین به امضا رسید و یک دوره ۶۰ روزه بازمبانی برای توافق پیش بینی شد. (Katzman & Kerr, 2017:8) برجام بسیاری از روندهای موجود در منطقه را به سود جمهوری اسلامی ایران و هم‌پیمانانش تغییر داد و بسیاری از موانع قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران را از میان برداشت و جایگاهی برتر به ایران در منطقه بخشید. ایران را از فشار تحریم‌های بین‌المللی خارج کرد و زمینه را برای دستیابی ایران به ذخایر مسدود شده و منابع مالی و اقتصادی بین‌المللی فراهم کرد.

۳-۴. برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان عراق

پس از آمادگی چند ماهه نیروهای کرد و پس از اینکه گفتگوها میان دولت اقلیم و دولت عراق درباره استقلال کردستان به نتیجه نرسید، مسعود بارزانی رئیس اقلیم اعلام کرد همه پرسی استقلال کردستان در روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار می‌شود. این تصمیم مورد موافقت پارلمان کردستان عراق قرار گرفت و در روز ۲۵ سپتامبر برگزار شد. این امر موجب واکنش‌های منفی کشورهای منطقه از جمله ترکیه شد و مخالفت جدی خود را با هرگونه تغییر در تمامیت ارضی عراق اعلام کردند. در این رابطه وزارت دفاع ترکیه نیروهای مسلح این کشور را به منظور انجام اقدام نظامی احتمالی در رابطه با همه پرسی استقلال اقلیم کردستان به حالت آماده باش درآورد. همچنین پارلمان ترکیه در ۲۳ سپتامبر مجوزی برای ارتش ترکیه برای ارسال نیروهای نظامی با شمال عراق تصویب کرد. (Candar, 2017) در ۱۸ سپتامبر نیروهای مسلح ترکیه در اقدامی در مناطق «حابور» و «سیلوی» در نزدیکی مرز اقلیم کردستان رزمایش نظامی برگزار کردند که به نظر بیشتر با هدف افزایش نظامیان در مرز با عراق صورت گرفته است. (south front, 2017) دولت عراق که این همه پرسی را غیرقانونی دانست با اقدامات نظامی و پیش روی به سمت مناطق شمالی عراق، اوضاع را به کنترل خود درآورد.

۵. ائتلاف‌های منطقه‌ای ایران و عربستان بر اساس نظریه موازنه منافع

آنچنان که شوئلر می‌گوید، کشورها همواره و در همه حال بر پایه بدترین سناریو و حالت تصمیم‌گیری نمی‌کنند که مستلزم اولویت بخشیدن به استقلال بر نفوذ باشد. بلکه به جای

تصمیم‌گیری بر پایه امکان تهدیدهای امنیتی بر مبنای احتمال آن‌ها برای امنیت ملی خود به اتخاذ تصمیم می‌پردازند. احتمال تهدیدهای امنیتی نیز در شرایط مختلف و بسته به عوامل گوناگون متفاوت می‌باشد. از اینرو کشورها نه تنها برای موازنه سازی در مقابل از دست دادن قدرت و تحمل ضرر بلکه همچنین برای کسب سود و منفعت به اتحاد و ائتلاف سازی دست می‌زنند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۵)

۱-۵. موازنه بخشی و همراهی کشورهای منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران

۱۳۷

از زمان آغاز بحران در یمن دو کشور ایران و عربستان موضع‌گیری متفاوتی در این کشور داشته‌اند. یمن در سال‌های اخیر عرصه رقابت دو کشور شده است به طوری که برخی از «جنگ نیابتی» دو کشور صحبت می‌کنند. این صحنه رقابت، نمونه‌ای از رقابت برای کسب قدرت و منافع استراتژیک است. (Chen, 2017:38) پس از حمله عربستان به یمن، ایران از گروه‌های نماینده خود در یمن اعلام حمایت کرد. این امر منجر به منزوی شدن بازیگران وابسته به عربستان سعودی شد. بر این اساس هرگونه مانع برای سعودی‌ها در جنگ یمن نشان دهنده منافع برای جمهوری اسلامی ایران شد. (همان: ۵۱) در واقع با تشدید درگیری‌ها بین حوثی‌ها و دولت مرکزی در یمن در سال ۲۰۱۱ و سپس تقابل دولت یمن با جمهوری اسلامی ایران در این مقطع و پیوند با عربستان، باعث شد جنگ یمن و تحولات انقلابی آن میدان جدیدی از تقابل و رقابت میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان باشد. (آل سید غفور و کاظمی، ۱۳۹۴: ۱۵۷-۱۵۶) در سال ۲۰۱۵ عربستان با دیدگاهی تهاجمی و پس از قدرت‌گیری انصارالله، حمله نظامی را به یمن آغاز کرد. در مقابل جمهوری اسلامی ایران بدون دخالت مستقیم در یمن توانسته است خود را به شیعیان و گروه انصارالله نزدیک کند. در واقع پیروزی حوثی‌ها در یمن پیروزی غیر مستقیم ایران و شکست استراتژیک عربستان سعودی است. (بیرامی سقرلو، ۱۳۹۳) فرمانده کل سپاه انقلاب اسلامی «سرلشکر جعفری» در یک نشست خبری در خصوص تقویت جبهه مقاومت گفت: «کمک‌های ما به جبهه مقاومت بنا به درخواست مردم و دولت‌های آنان صورت گرفته و یمن هم یک نمونه از آن است؛ امروز در یمن حاکمیت در دست انصارالله است و کمک‌های ایران در حد مستشاری و معنوی است که یمن بیشتر به آن‌ها نیاز دارد و



رقابت‌های ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه در چارچوب نظریه موازنه منافع شوئلر (۲۰۱۵-۲۰۱۷)

جمهوری اسلامی هم از این کمک‌ها دریغ نمی‌کند و این راه ادامه دارد.» (تسنیم نیوز، ۲ آذر ۱۳۹۶) همچنین حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در مراسم رژه نیروهای مسلح در ۳۱ شهریور ۱۳۹۶ گفت: «جمهوری اسلامی ایران از مظلومان دنیاهمواره حمایت خواهد کرد؛ چه برخی بخواهند و چه نخواهند ما از مردم مظلوم یمن، سوریه و فلسطین دفاع خواهیم کرد و قدرت دفاعی و نظامی خود را آن میزان که لازم است و برای بازدارندگی ضروری بدانیم تقویت خواهیم کرد.» (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، ۳۱ شهریور ۱۳۹۶)

با نهای شدن توافق هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران از فشار تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی خارج شد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در کشور فراهم شد. این امر موجب انعطاف در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شد. حالا جمهوری اسلامی می‌تواند به صورت فعال و قدرتمند در منطقه ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود را به تحرک درآورد. شرایط ملی و وضعیت منطقه به ویژه پس از برجام، انسجام و تمرکز در رفتار سیاست خارجی را به مراتب بیش از گذشته اقتضا می‌کند. این موضوع اگرچه برای رقیب منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بسیار نگران‌کننده است اما جمهوری اسلامی خواهان حفظ توافق و ثبات در نظم منطقه‌ای پس از برجام است. برجام موجب مخالفت‌ها و موافقت‌های کشورهای منطقه شد. عربستان و رژیم صهیونیستی در رأس مخالفان، همواره با نگرانی‌هایی از شکل‌گیری نظم آینده منطقه به زیان خود دارند و تمام تلاش خود را برای شکست یا حداقل ایجاد مانع از اجرای کامل برجام و بهره‌گیری جمهوری اسلامی از نتایج آن انجام می‌دهند. از سوی دیگر برجام امکانات جدیدی برای گسترش روابط ایران با قطر، عمان، کویت و دیگر کشورها ایجاد کرده است و درمقابل رابطه با عراق، سوریه و لبنان را مستحکم‌تر نموده است. (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۴۲) دو کشور ترکیه و قطر در این مقطع مهم از جمله قدرت‌های منطقه‌ای هستند که به ایران نزدیک شده‌اند.

توافق هسته‌ای و تهدید داعش در منطقه، موقعیت جمهوری اسلامی ایران را در سوریه و عراق تقویت کرد و نقش آن را در این دو کشور به طور وسیعی افزایش داد. با نهای شدن توافق هسته‌ای همچنین ایران توانسته است به بازار جهانی نفت بازگردد. بر این

اساس و با توجه به افزایش نقش و پرستیژ جمهوری اسلامی در منطقه، عربستان سعودی رقابت بیشتری را با ایران آغاز کرد. (Litvak, 2017:53)

قابل توجه‌ترین رویداد پسا برجام، همراهی قطر با ایران است. قطر که سال‌ها با آل سعود در یک جبهه قرار داشت به ایران متمایل شد. در ماه ژانویه ۲۰۱۶ پس از یک وقفه ۲۰ ماهه در روابط ایران و قطر، وزارت خارجه قطر اعلام کرد سفیر خود را که پس از قطع روابط ایران و عربستان به دوحه فراخوانده بود به تهران بازمی‌گرداند. عربستان اقدام قطر را منافی امنیت کشورهای عرب دانسته و برای مقابله با آن کشورهای امارات، بحرین، و مصر را برای تحریم‌هایی علیه قطر با خود همراه کرد. (Walsh, 2017) در مقابل، جمهوری اسلامی ایران برای همراهی قطر با خود و قاطعیت آن در این تصمیم، کمک‌هایی برای جایگزین کردن تحریم‌های عربستان به قطر انجام داد. از جمله در مقابل تحریم هوایی کشورهای عربی علیه قطر، راه‌های هوایی خود را در اختیار هواپیماهای قطر گذاشت و تدارکات غذایی و کالایی برای ۲/۵ میلیون نفر به این کشور ارسال کرد. (Khan, 2017) در واقع پس از توافق هسته‌ای، ایران در تلاش بوده است اعضای کوچک‌تر شورای همکاری خلیج فارس را متقاعد کند که ایران یک همسایه صلح‌آمیز است و به امنیت منطقه متعهد است. با بحران در روابط قطر و عربستان، این فرصت به ایران داده شد که به اعراب اثبات کند عربستان موجب تهدید حاکمیت کشورهاست و امنیت منطقه را با تهدید مواجه می‌کند. همچنین نزدیکی قطر به ایران موجب تقویت گفتمان سنی و شیعه در منطقه شده است. (Cafiero, 2017) مهم‌تر از همه اینکه ایران و قطر یک میدان بزرگ گازی مشترک در خلیج فارس دارند که این امر با توجه به سیاست خارجی منعطف ایران و اجرای توافق هسته‌ای در همراهی قطر با ایران مؤثر بوده است. (Katzman, 2017: 11) با دیدار وزیر خارجه ایران در مارس ۲۰۱۷ از دوحه و دیدار با امیر قطر، روابط دو کشور قوت بیشتری گرفت. همچنین رئیس جمهوری ایران در ۲۵ ژوئن اظهار کرد که: «جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست خارجی روابط خود را با قطر گسترش می‌دهد». بدین ترتیب، قطر که قبل از توافق هسته‌ای در جبهه متحد عربستان در مقابل ایران قرار داشت، پس از برجام و تمایل جمهوری اسلامی به برقراری روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس، روابط خود را با ایران گسترش داد. اگرچه قطر با موضع

۱۳۹



رقابت‌های ایران و
عربستان در
منطقه خاورمیانه
در چارچوب
نظریه موازنه
منافع شوئلر
(۲۰۱۵-۲۰۱۷)

تهاجمی برخی کشورهای عربی به رهبری عربستان مواجه شد اما به نظر می‌رسد همراهی با جمهوری اسلامی ایران را به همراهی با عربستان ترجیح داده است.

ترکیه دومین کشوری که پس از برجام با ایران همراه شده است. روابط ایران و ترکیه در طول تاریخ فراز و نشیب‌های زیادی داشته است، اما علی‌رغم برخی اختلاف نظرها، دو کشور زمینه‌های همکاری متعددی در منطقه دارند. با شروع فعالیت‌های هسته‌ای ایران، ترکیه با یک وضعیت دوگانه در سیاست خارجی مواجه شد. ترکیه از یک طرف برای خود هویتی اروپایی قائل است و از سوی دیگر براساس سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، گسترش روابط با کشورهای همسایه و به طور کلی نوع‌ثمنی‌گرایی در دستور کار قرار گرفته است. این امر ترکیه را در موقعیت میانه و در نقش میانجی بین غرب و ایران در خصوص برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار داد. البته ترکیه همواره از برنامه هسته‌ای ایران نگران بوده و از آن به عنوان تهدید امنیتی منطقه ابراز نگرانی کرده است. در واقع نگرانی رهبران ترکیه از افزایش قدرت جمهوری اسلامی و تثبیت وزنه قدرت به سود آن بوده است. (Hentov, 2012: 32) نکته دیگر در خصوص روابط ترکیه با ایران قبل از برجام، بحران سوریه است. در جبهه سوریه ترکیه ابتدا از تغییرات آرام و دیپلماتیک حمایت کرد اما پس از مدتی به حمایت از مخالفان رژیم سوریه پرداخت. سوریه مهم‌ترین نقطه اختلاف ایران و ترکیه قبل از برجام بوده است. با توافق هسته‌ای ایران و کشورهای غربی، ترکیه استقبال خود را از برجام اعلام کرد. وزیر خارجه ترکیه اعلام کرد: «ما بسیار خوشحال هستیم که مذاکرات با ۱+۵ با یک درک سیاسی به پایان رسیده است و از آن استقبال می‌کنیم.» (Alalam, 3 Apr 2015) همچنین وزیر انرژی ترکیه توافق هسته‌ای ایران را گامی مثبت برای منطقه دانست و ابراز امیدواری کرد این امر موجب افزایش همکاری‌ها در بخش انرژی شود و فضا برای سرمایه‌گذاری مشترک دو کشور آماده شود. (AA, 14 July 2015) به طور کلیدو عامل مهم وجود دارد که ترکیه را به ایران متمایل می‌کند و در نهایت برجام موجب شد ترکیه با توجه به این عوامل به ایران نزدیک شود. عامل اول انرژی است. دو کشور در زمینه انرژی نفت و گاز با یکدیگر تعامل تجاری داشته و معاملات حمل و نقلی متعددی با یکدیگر امضا کرده‌اند. (Giirzel & Ersoy, 2012: 39)

دومین و مهم‌ترین عامل مسئله کردها است. دو کشور در رابطه با مسئله کردها و تهدیدات برخاسته از تهدید تروریسم کردی دارای وابستگی متقابل امنیتی هستند. ترکیه که همواره با تهدید حزب کارگران کردستان (PKK) روبرو است، ایران را به عنوان عامل ثبات بخش در منطقه و متحدی استراتژیک برای مقابله با این تهدید می‌داند. (Stein, 2012: 2) پس از برجام، برگزاری رفراندوم در اقلیم کردستان عراق از جمله عواملی بوده است که موجب نزدیکی ترکیه به ایران شده است. کردستان منطقه‌ای استراتژیک برای دو کشور ایران و ترکیه محسوب می‌شود چراکه در مجاورت مرزهای دو کشور قرار دارد و هردو نیز از زمینه‌های قومی و تاریخی در رابطه با بحران امنیتی کردها برخوردار هستند. از این رو در ۴ اکتبر ۲۰۱۷ «رجب طیب اردوغان» سفر یک روزه‌ای به تهران انجام داد. در این سفر اگرچه در زمینه‌های مختلفی گفتگو شد اما مسئله کردها بزرگ‌ترین زمینه همراهی ترکیه و ایران بوده است. این دیدار نشان دهنده روابط گرمی است که در صورت رقابت دو کشور در سوریه انجام شده است و نشان دهنده مخالفت دو کشور با همه پرسشی اقلیم کردستان است. رئیس جمهوری دو کشور در این دیدار توافق کردند با یکدیگر همکاری داشته باشند تا مانع از فروپاشی عراق و سوریه شوند. آن‌ها تأکید کردند: «ما خواهان امنیت و ثبات در خاورمیانه هستیم... رفراندوم استقلال کردستان یک طرح فرقه‌ای از سوی کشورهای بیگانه است.» همچنین آن‌ها بر همکاری و کمک به دولت بغداد تأکید کردند. (Al droub, 2017)

از اینرو چنین بحران‌هایی در منطقه و نقش کلیدی جمهوری اسلامی ایران در مدیریت بحران و ثبات منطقه، کشورهایی چون سوریه، عراق، ترکیه و قطر را با جمهوری اسلامی همراه کرده است. در این رابطه نقش و نفوذ پررنگ ایران در منطقه و همراهی کشورهای مهم منطقه‌ای که زمانی متحد عربستان سعودی بوده‌اند، موجب تقویت جبهه ایران در مقابل عربستان شده است و در مقابل عربستان نیز به دنبال همراهی بازیگران دیگری برای مقابله با قدرت و نفوذ استراتژیک ایران در منطقه شده است.

۲-۵. عربستان به دنبال همراهی کشورهای عربی

با تغییر در سلسله مراتب قدرت در عربستان و حاکم شدن ملک سلمان و ولیعهدی محمد بن سلمان، رویکرد این کشور نیز در منطقه دچار تحول گردیده است. اولین تغییر مهم «خودیاری» و کاستن از وابستگی به آمریکا به ویژه پس از توافق هسته‌ای با ایران است. سعودی‌ها که می‌دیدند پس از برجام بسیاری از تحلیل‌گران در واشنگتن با هدف موازنه سازی در برابر ریاض شروع به طرفداری از عادی سازی روابط با تهران کردند، برای آن‌ها نگران کننده بود. در نتیجه عربستان برای اولین بار در راستای برعهده گرفتن اهداف منطقه‌ای و اولویت‌های منطقه‌ای خویش به صورتی مستقل از واشنگتن گام برداشته است. (احمدیان، ۱۳۹۵: ۱۰۷) ریاض با یک تیم جوان‌تر در رأس سیاست خارجی، حضور نظامی در یمن، استفاده استراتژیک از نفوذ مخالفان در سوریه و ائتلاف سازی با همراهی برخی کشورهای عربی نمونه‌هایی از اقدامات عربستان برای مقابله با ایران بوده است. (Huang, 2016: 17) اعدام «شیخ نمر» مجتهد شیعی در ۲ ژانویه ۲۰۱۶ نمونه دیگری از سیاست تهاجمی عربستان در قبال قدرت و نفوذ ایران در منطقه است که بر اثر آن روابط دیپلماتیک دو کشور قطع گردید. عربستان پس از توافق هسته‌ای ایران با کشورهای غربی به این درک رسیده است که نیاز به همراهی کشورهای سنی دارد. در این رابطه مصر و امارات اهمیت خاصی برای آن دارند. (Amidror, 2017: 77) در جریان حمله نظامی به یمن، عربستان تصمیم گرفت برای جلوگیری از نفوذ ایران در میان شیعیان و برای مقابله با حوثی‌ها همراهی کشورهای سنی را بدست آورد. در این راه مصر، امارات متحده عربی، بحرین و اردن مهم‌ترین کشورهای عربی بودند که به ائتلاف عربستان پیوستند. جنگ یمن نمود عینی سیاست تهاجمی عربستان با هدف مبارزه با نفوذ ایران در منطقه است. (Riu & Ruiz, 2016: 3) همچنین عربستان به دنبال همراه کردن ترکیه، قطر و عراق با سیاست‌های منطقه‌ای خود بوده است.

ملک سلمان در اولین قدم برای تقویت ائتلاف مقابله با ایران به ویژه پس از توافق هسته‌ای، سفرهای دوره‌ای به کشورهای خاورمیانه را آغاز کرد. از دیدگاه آل سعود کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دارای تهدیدات مشترک برخاسته از ایران هستند و در سایه همراهی با یکدیگر از منافع مشترک برخوردار خواهند شد. شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب دو سازمان مهم است که عربستان بدنبال همراهی آن‌ها با منافع و

اهداف منطقه‌ای خود است. در آوریل ۲۰۱۶ ملک سلمان برای مشاوره با «عبدالله سیسی» رئیس جمهور مصر به قاهره سفر کرد. در طی این دیدار مقامات دو کشور از ۲۵ میلیون دلار سرمایه گذاری مشترک در بخش‌های مختلف خبر دادند. (Blanchard, 2017: 34) یک سال پس از این دیدار، در ۲۳ آوریل ۲۰۱۷ سیسی وارد عربستان شد تا در مورد مسائل مختلفی در منطقه با عربستان گفتگو کند. ملک سلمان و عبدالله سیسی در مورد روابط قدرتمند و برادرانه و همکاری بین دو کشور بحث کردند. همچنین توافقنامه ۲۵ میلیون دلاری سال گذشته بین طرفین برای اجرایی شدن امضا شد. عربستان در این نشست عرضه نفت خام از سوی «سعودی آرامکو» به مصر را از سر گرفت، چیزی که در یک ماه قبل از این دیدار به یک نقطه بحرانی در روابط دو کشور تبدیل شده بود. (Asianews, 24 Apr 2017) چنانچه گفته‌های سیسی نمایان می‌کند، در رقابت ایران و عربستان در منطقه، مصر جانب عربستان را گرفته است. او در ۳ نوامبر ۲۰۱۷ در جمعی از روزنامه نگاران گفت: «مصر از عربستان حمایت می‌کند... مصر حمایت از عربستان در مقابل ایران را تضمین می‌کند... امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس امنیت مصر است و من به رهبری قوی عربستان اعتقاد دارم.» (Aboulenein & Ghobrial, 2017)

امارات دومین کشور مهم منطقه‌ای است که عربستان چشم به همراهی آن دارد. ملک سلمان در اولین کار پس از رسیدن به پادشاهی سفرهای خود را به کشورهای حاشیه خلیج فارس آغاز کرد که سفر به امارات متحده عربی مهم‌ترین آن‌هاست. در واقع امارات متحده استراتژیک برای عربستان و ابزاری برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در قالب مطرح کردن جزایر سه گانه و تهدید نشان دادن ایران برای امارات بوده است. در سفر ملک سلمان به امارات دو کشور بر همکاری گسترده برای مقابله با چالش‌های مشترک تأکید کردند. برای عربستان، امارات متحده نزدیک‌ترین متحد منطقه‌ای است. (Ahmad & Malek, 2016)

تلاش‌های عربستان برای همراه کردن ترکیه و قطر نیز در راستای مقابله با ایران و موازنه علیه آن صورت گرفته است. ملک سلمان با عنوان مبارزه با تروریسم و حل مسائل عراق و سوریه به ترکیه سفر کرد و با رجب طیب اردوغان گفتگو کرد. همچنین او سفری

مشابه به قطر برای گسترش روابط و همکاری‌ها در زمینه‌های مشترک داشت. اما این دو کشور برخلاف انتظار عربستان، در جبهه ایران قرار گرفتند. عربستان برای تلافی رویکرد قطر به ایران و برای تغییر رویکرد آن نسبت به ایران، با همراه کردن مصر، بحرین و امارات متحده روابط خود را با قطر قطع کرده و تحریم‌های مختلفی را علیه آن اعمال کردند. همه بنادر عربستان به روی کشتی‌های قطری بسته شد و تمام مسیرهای هوایی قطر از ۴ کشور با تحریم مواجه شد. در مقابل ترکیه و ایران نیازهای قطر را برطرف کرده و مبادلات و کمک‌های اقتصادی جایگزین را با قطر انجام دادند. ترکیه مواد غذایی و نیروی نظامی مورد نیاز به قطر فرستاد. این امر روابط ترکیه با عربستان را تحت تأثیر قرار داد و موجب نگرانی آل سعود در مورد ائتلاف ترکیه، قطر و ایران شد. (Butler & Karadeniz, 2017)

نزدیکی قطر به ایران، نزدیکی ترکیه را نیز به همراه داشت و سیاست عربستان برای همراه کردن این دو کشور با شکست مواجه شد.

در راستای مقابله با قدرت ایران در منطقه، عربستان چشم به همراهی عراق دوخته است. روابط عربستان و عراق که می‌توان گفت از سال ۱۹۹۱ که حمله به کویت توسط رژیم بعث صورت گرفت تا سالهای اخیر تیره بوده است. با حاکم شدن ملک سلمان و به ویژه ولیعهدی بن سلمان توجه به عراق به عنوان کشوری استراتژیک برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. عراق امروزه کانون نفوذ ایران در منطقه خوانده می‌شود که به نظر می‌رسد عربستان به همین دلیل باب مناسبات با عراق را آغاز کرده است. از این رو در ۲۵ فوریه ۲۰۱۷ به طور ناگهانی «عادل الجبیر» وزیر خارجه عربستان به بغداد سفر کرد. این سفر پس از سال‌ها تیرگی روابط بغداد-ریاض صورت گرفت. هدف از این سفر توسعه روابط با عراق در زمینه‌های تجاری، امنیتی و فرهنگی عنوان شد. برخی نیز از نیت تقویت ائتلاف سنی در مقابل شیعه از این سفر یاد کردند. ضمن آنکه این سفر آغازگر توجه «مقتدی صدر» مجتهد شیعه عراقی به عربستان و در نهایت سفر او به این کشور شد. (Maksad & Pollack, 2017) در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۷ نیز «حیدر العبادی» نخست وزیر عراق به عربستان رفت. در این دیدار در مورد مسائل مختلف منطقه‌ای مذاکره شد و در نهایت منجر به تأسیس «شورای هماهنگی» عربستان و عراق شد. این شورا برای تقویت همکاری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و انرژی است. به عنوان بخشی از این موافقت‌نامه، عربستان کنسول‌گری خود را در عراق باز

می‌کند و پروازهای هوایی را بین دو کشور توسعه می‌دهد. (Fayyad, 2017) توسعه روابط با عراق پس از سال‌ها تیرگی روابط و با چنین شتابی از سوی دستگاه سیاست خارجی ملک سلمان تنها می‌تواند برای مقابله با نفوذ گسترده جمهوری اسلامی ایران در عراق و از سوی دیگر کاهش وابستگی عراق به ایران و تشویق عراق به همراهی با عربستان باشد.

نتیجه‌گیری

۱۴۵

میان کشورها همواره رقابت و تعارض وجود دارد. این رقابت گاه برای افزایش قدرت و گاهی برای افزایش امنیت است. گاهی موازنه قدرت و گاهی موازنه تهدید. اما چنانچه شوئلر بیان می‌کند، رقابت‌ها برپایه موازنه منافع است و کشورها تلاش دارند تا همراهی دیگران را با سیاست‌های خود برای برقراری موازنه علیه دیگری بدست آورند. رقابت‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان نیز در همین چارچوب است. پس از تحولات منطقه‌ای و به ویژه برجام و ن‌هایی شدن توافق هسته‌ای، رقابت دو کشور در منطقه ابعاد تازه‌ای گرفته و هرکدام تلاش دارند برای کسب همراهی کشورهای منطقه، سیاست‌های جدیدی تعریف کنند. به طور کلی رویکرد سیاست خارجی دو کشور بر پایه سه مقوله قدرت، دولت و عوامل ساختاری قرار گرفته است. هر دو کشور قدرت‌های بزرگ منطقه هستند و تلاش می‌کنند قدرت خود را بیش از پیش افزایش دهند. در سطح دولت، دو کشور تحولات سیاسی را در سلسله مراتب قدرت متقبل شده‌اند. تغییر پادشاه عربستان و به قدرت رسیدن ملک سلمان و ولیعهدی محمد بن سلمان سیاست خارجی عربستان را به سمت سیاستی تهاجمی هدایت کرده است. در مقابل، روی کار آمدن حسن روحانی در ایران سیاست متعادل و محافظه‌کارانه‌تری را پس از برجام در ایران موجب شده است. در سطح ساختاری، عوامل و تحولات مختلفی روی داده است که بر سیاست خارجی دو کشور مؤثر افتاده است. اولین تحول حمله نظامی عربستان به بحرین است که امروزه به کانون اصلی رقابت ایران و عربستان تبدیل شده است. تحول مهم دیگر، توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های غربی است که اثرات مختلفی در منطقه به همراه داشته است و موجب نگرانی عربستان و استقبال کشورهای چینی و روسیه و حتی قطر از آن شده است. سومین تحول برگزاری همه پرسی در اقلیم کردستان عراق است که امنیت



کشورهایی چون ترکیه، عراق و ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عامل انرژی و همکاری‌ها در چارچوب نفت و گاز بین کشورهای منطقه و اهمیت استراتژیک آن در مبادلات میان آن‌ها نیز بر نوع همراهی تأثیرگذار بوده است. این عوامل در سطح سه گانه موجب شده است هریک از دو کشور تلاش کنند همراهی کشورهای منطقه را با سیاست‌های خود بدست آورده و امنیت و قدرت خود را در مقابل دیگری افزایش دهد.

تلاش برای همراهی کشورهای منطقه موجب رقابت دو کشور شده است. اولین کانون رقابت قطر است. قطر که عربستان همواره به چشم متحد خود به آن نگاه کرده است پس از برجام به ایران نزدیک می‌شود. این کشور شاهد دو ائتلاف متفاوت بوده است. عربستان، امارات، بحرین و مصر عمل قطر را غیرقابل قبول دانسته و تحریم‌های سنگینی علیه آن اجرا کردند. در مقابل ایران و ترکیه برای جایگزین کردن تحریم‌ها علیه قطر، کمک‌های متفاوتی به قطر ارائه کردند. همین امر و سپس برگزاری همه پرسی در اقلیم کردستان عراق موجب نزدیکی ترکیه به ایران شده است. هر سه کشور نیز در زمینه انرژی و به ویژه گاز، تعامل و همکاری دارند و بر این اساس برپایه منافع مشترک میان سه کشور اتحاد شکل گرفته است. از سوی دیگر عربستان نیز توانسته است همراهی مصر و امارات را در رقابت با ایران بدست آورد. نکته مهم در رقابت جدید ایران و عربستان پس از برجام، گسترش حوزه نفوذ در عراق است. عراق که امروزه نمود آشکاری از نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه است، مورد توجه عربستان قرار گرفته است. از این نظر باید در آینده منتظر رقابت‌های جدید دو کشور در عراق باشیم.

منابع

- احمدیان، حسن. (۱۳۹۵). «تحول در سیاست منطقه‌ای عربستان؛ آورده‌های ملک سلمان»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال هشتم، شماره چهارم.
- ازغندی، علیرضا و آقا علیخانی، مهدی. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل منطقه‌ای و واگرایی در روابط ایران و عربستان (۱۳۸۴-۱۳۹۰)»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۳، شماره ۲.
- اسدی، علی اکبر. (۱۳۸۹). «رنالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی»، *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۶.

آرم، آرمینا. (۱۳۹۵). «ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست*، سال سوم شماره ۹.

آل سید غفور، سید محسن و کاظمی، احسان و دهموردی، سید محمد. (۱۳۹۴). «تبیین رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن»، *فصلنامه سیاست خارجی*، دوره ۲۹ شماره ۲.

خلیلی، رضا. (۱۳۹۵). «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام: رویکردی استراتژیک»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال نوزدهم، شماره دوم.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۰). «واقع‌گرایی نئوکلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۳). «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و هشتم، شماره ۱۵.

رمضان زاده، علی اکبر و هاشمی، سید تقی. (۱۳۹۲). «تحول جایگاه منطقه‌ای و روابط تنش‌زای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، *فصلنامه مدیریت پژوهش‌های*

دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی

صادقی اول، هادی و نقدی عشرت‌آبادی، جعفر و میرکوشش، امیر هوشنگ. (۱۳۹۴). «روابط ایران و عربستان از منظر واقع‌گرایی انگیزشی (۱۳۸۴-۱۳۹۶)»، *فصلنامه*

تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۲۵۵

نور علی‌وند، یاسر. (۱۳۹۶). «عربستان سعودی و تلاش برای موازنه سازی مجدد در برابر ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال بیستم، شماره اول.

Chen, Victoria (2017). "Saudi Arabia and Iran: Sectarianism, a Quest For Regional Hegemony and International Alignment", Syracuse University Honors, Program Capstone Project

Jahner, Ariel (2012). "SAUDI ARABIA AND IRAN: The struggle for power and influence the Gulf", INTERNATIONAL AFFAIRS REVIEW, Number 3

Gangale, Thomas (2003). "Alliance Theory: Balancing Bandwagoning and Détente", San Francisco State University International Relations 720.

Rynning, Sten & Guzzini, Stefano (2007). "Realism and Foreign Policy Analysis", Working Papers 42, Copenhagen Peace Research Institute

- Schweller, L. Randall (1994). "Bandwagoning for Profit: Bringing the Revisionist State Back In", *International Security*, Vol.19, No.1
- Al-Rashed, Madawial (2017). "king salman and his son", LSE, Middle East Center Report.
- Salisbury, Peter (2015). "Yemen and the Saudi–Iranian Cold War", Available in:
https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/field_document/20150218YemenIranSaudi.pdf
- Katzman, Kenneth & K. Kerr, Paul. (2017). "Iran Nuclear Agreement", Congressional Research Service, Available in:
<https://fas.org/sgp/crs/nuke/R43333.pdf>
- Cander, cengiz (2017). "Turkeys threats against Kurdish referendum vague but deliberate" available in:
<https://www.google.com/amp/s/www.almonitor.com/pulse/en/originals/2017/09/turkey-iraqi-kurdistan-referendum-ankara-adopts-ambiguity.amp.html>
- Litvak, Meir (2017). "Iran and Saudi Arabia: Religious and Strategic Rivalry", National Security Studies Center, Mideast Security and Policy Studies No. 133
- Walsh, Declan (24 Aug 2017). "Qatar Restores Full Relations With Iran, Deepening Gulf Feud", Available in:
<https://www.nytimes.com/2017/08/24/world/middleeast/qatar-iran-boycott-saudi-arabia.html>
- Khan, Shehab (24 August 2017). "Qatar restores diplomatic relations with Iran despite requests from Gulf neighbours", Available in:
<http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/qatar-iran-diplomatic-relations-restore-gulf-crisis-saudi-arabia-egypt-bahrain-united-arab-emirates-a7910876.html>
- Cafiero, Giorgio (30 August 2017). "Iran's role in Qatar's new foreign policy" Available in:
<https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/08/iran-role-qatar-new-foreign-policy-gcc-dispute-saudi-arabia.html>
- Katzman, Kenneth (2017). "Qatar: Governance, Security, and U.S. Policy", Congressional Research Service, Available in:
<https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44533.pdf>
- Hentov, Elliot (2012). "Turkey's global strategy: Turkey and Iran", London School of Economics and Political Science, Available in:
http://eprints.lse.ac.uk/43501/1/Turkey%27s%20Global%20Strategy_Turkey%20and%20Iran%28Isero%29.pdf
- G. Gürzel, Aylin & Ersoy, Eyüp (2012), "Turkey and Iran's nuclear Program", *Middle East Policy*, Vol. XIX, No. 1
- Stein, Aaron (2012). "Turkey and Iran's Complicated Relationship", Center for Economics and Foreign Policy Studies, Available in:

- http://edam.org.tr/wpcontent/uploads/2012/03/Turkey_and_Irans_Compllicated_Relationship.pdf
- Al Droubi, Mina (4 October 2017). "Turkey's Erdogan in Tehran warns of further measures against Iraqi Kurdistan's independence push", Available in:
<https://www.thenational.ae/world/mena/turkey-s-erdogan-in-tehran-warns-of-further-measures-against-iraqi-kurdistan-s-independence-push-1.664053>
- Huang, Xiaoning (2016). "The Iranian Nuclear Issue and Regional Security:Dilemmas, Responsesand The Future", SABBATICAL LEAVE REPORT, Department of Political Affairs,Middle East and West Asia Division
- Amidror, Yaakov (2017). "GCC in the Middle East: A Changing Regional Balance of Power", National Security Studies Center, Mideast Security and Policy Studies No. 133
- Riu, Abel&Ruiz, Ainhua (2016). "Saudi Arabia and Bombingsin Yemen The responsibilities of the Spanish State", Available in:
http://www.centredelas.org/images/INFORMES_i_altres_PDF/ArabiaSaudiYemenArmas2016_english.pdf
- M. Blanchard, Christopher (2017). "Saudi Arabia: Background and U.S. Relations", Congressional Research Service, Available in:
<https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL33533.pdf>
- Aboulenein, Ahmed&Ghobrial, Malak (2017). "Egypt pledged support for "wise" Saudi Arabia in its standoff with Iran", Available in:
<http://www.businessinsider.com/egypt-supports-saudi-arabia-in-standoff-with-iran-2017-11>
- Ahmad, Anwar & Malek, Caline (3 December 2016). "King Salman visit analysis: 'UAE-Saudi ties as strong as they come'", Available in:
<https://www.thenational.ae/uae/government/king-salman-visit-analysis-uae-saudi-ties-as-strong-as-they-come-1.206002>
- Butler, Daren&Karadeniz, Tulay (2017). "Turkey sends Qatar food and soldiers, discusses Gulf tensions with Saudi", Available in:
<https://www.reuters.com/article/us-gulf-qatar-turkey-saudi/turkey-sends-qatar-food-and-soldiers-discusses-gulf-tensions-with-saudi-idUSKBN19D0CX>
- Maksad, Firas& M. Pollack, Kenneth (2017). "How Saudi Arabia Is Stepping Up in Iraq", Foreign Affairs, Available in:
<https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2017-08-21/how-saudi-arabia-stepping-iraq>
- Fayyad, Huthifa (2017). "Renewed Saudi-Iraq ties to rival Iran's influence", Available in:
<http://www.aljazeera.com/news/2017/10/renewed-saudi-iraq-ties-rival-iran-influence-171024151411564.html>

منابع اینترنتی

اکبر بیرامی سقرلو. (۱۳۹۳). «بررسی رقابت ایران و عربستان در موضوع یمن در تحولات

سیاسی اخیر یمن»، *پایانامه کارشناسی ارشد*، قابل دسترس در:

<http://elmnet.ir/article/10756559>

تسنیم نیوز (۲ آذر ۱۳۹۶)، «فرمانده سپاه: ایران به یمن کمک مستشاری می‌کند»، قابل

دسترس در:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/09/02/1581804>

پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری (۳۱ شهریور ۱۹۶)، «سخنرانی رئیس جمهور در

مراسم رژه نیروهای مسلح»، قابل دسترس در:

<http://www.president.ir/fa/100866>

Alalam News(3 Apr 2015), Turkey Welcome Iran Nuclear Deal, Available in:

<http://en.alalam.ir/news/1691585/turkey-welcome-iran-nuclear-deal>

Turkey's energy minister hails Iran nuclear deal, Available in:

<http://aa.com.tr/en/turkey/turkeys-energy-minister-hails-iran-nuclear-deal/26240>

South front (2017), "TURKEY BOOSTS MILITARY DRILLS ON BORDER WITH IRAQI KURDISTAN REGION", available in:

<https://southfront.org/turkey-boosts-military-drills-on-border-with-iraqi-kurdistan-region-photos>

Asia News(24 Apr 2017), Al-Sisi meets King Salman to relaunch relations between Cairo and Riyadh, Available in:

<http://www.asianews.it/news-en/Al-Sisi-meets-King-Salman-to-relaunch-relations-between-Cairo-and-Riyadh-40552.html>

۱۵۰



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره هشتم، شماره

چهارم، شماره

پیاپی سی ام

زمستان ۱۳۹۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی